

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

### ج ۳: زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

خدای متعال را شاکریم بر نعمت حب حسینی و بر نعمت ولایت معصومین علیهم السلام؛ و سپاس می‌گوییم بر اینکه در پیوند با جریان حسینی، مسیرهای بهره‌مندی از آسمان و بهره‌مندی از فضای بهشت را در دنیا پیش روی ما قرار داد.

#### توجه به جریان حسینی، به عنوان جریان بی بدیل اثرگذار و نجات بخش فرهنگی

جریان حسینی، به عنوان «جریان اثرگذار و نجات بخش فرهنگی» است. اگر خدای نکرده محافل حسینی این محله حذف بشود، محافل حسینی شهر تهران و کشورمان حذف شود، تصور بکنید چه فاجعه‌ای در حوزه فرهنگی کشور اتفاق می‌افتد! آن چیز که امروز، در فضای حداقلی فرهنگی از آن بهره‌مند می‌شویم، منوط به همین محافل و همین دوره‌ها جمع شدن‌های ایام محرم و ماه مبارک رمضان است! و نه برنامه‌های فرهنگی فلان مجموعه! شما این را شهادت می‌دهید. حالا اگر فلان سازمان تبلیغی کشور از اقصی نقاط کشور جمع شود، فلان وزارت مربوط به کارهای دینی و ارزشی، با دست و بازوهایش از کشور جمع شود، فلان نهاد و مجموعه متولی فرهنگ از کشور جمع شود چه اتفاقی می‌افتد؟ هیچ اتفاقی نمی‌افتد! بود و نبودشان، تا حد قابل توجهی تأثیر ندارد. تازه بهتر هم می‌شود؛ هم یکسری پول برای کشور می‌ماند و هم اینکه بعضی از مجموعه‌ها، کمک به فضای ضد فرهنگ نمی‌کنند! بعضی از مجموعه‌ها اسمشان اسم فرهنگی است، عنوان جریان فرهنگی و تولید فرهنگی را یدک می‌کشند اما خواسته یا ناخواسته - حالا قضاوت نمی‌کنیم - کمک کار مسیر غیرفرهنگی هستند.

علی‌رغم آنچه گذشت نیاز هست تا با توجه به وضعیت زمانه، در فضای رفتاری‌مان نسبت به حضرت، در محافل و مجالس بازنگری داشته باشیم. محافل ما باید محافلی باشد که در آن «زندگی حسینی» پیش روی ما قرار بگیرد. محفل‌هایی که «شعار حسینی» را در ما تقویت بکند، و حس «شعور» را به ما ندهد، مصداق کم بهره بردن از این ظرفیت عظیم است. حال تصور کنید که اگر این جریان اثرگذار فرهنگی را، که در حداقل فضا از آن بهره‌مند شده ایم - و این حداقل، بیش از همه ظرفیت سازمان‌ها و نهادها و مجموعه‌ها است - در ظرفیت حداکثری بیاوریم چه اتفاقی می‌افتد؟ نجات بخشی جامعه ایران در یک فضای آرمانی و قوی سامان پیدا می‌کند.

#### زیارت حسینی، مدخلی عظیم در تربیت؛ از غفران و طهارت در گام‌های مقدماتی تا زندگی حسینی در گام‌های عالی

یکی از مسیرهایی که عترت علیهم السلام برای «زیستن»، برای زندگی الهی و آخرتی، زندگی آسمانی و حسینی، پیش پای ما قرار می‌دهد، «زیارت ابا عبدالله ع» هست. در روایت دارد که شما وقتی به زیارت حضرت مشرف می‌شوید طهارتی مثل طهارت زمان ولادت پیدا می‌کنید. در روایت دیگر، انسان با گناه آینده‌اش هم بخشیده

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

می‌شود! در روایت دیگر آمده است: اگر مؤمنین می‌دانستند که فضل خدا چقدر بر زائر حضرت نازل و جاری می‌شود، «لماتوا شوقا» به اشتیاق می‌مردند.

همچنین یکی از مسیرهایی که عترت برای «ارتفاع گرفتن»، و برای حضور در عالی‌ترین درجات بهشت پیش پای ما می‌گذارد، زیارت اباعبدالله علیه‌السلام و زیارت قبر ایشان است؛ هر دو مطرح شده است.

پس با اندکی تامل در متون روایی درمی‌یابیم که جریان حسینی، از گام‌های مقدماتی تا گام‌های عالی تربیت را، به شیوه سهل، در درون خود دارد. گام مقدماتی عبارت است از؛ «طهارتی مانند زمان ولادت از مادر» برای کسی که «زیارت» اباعبدالله ع بکند، همچنین «غفران ماتقدم و غفران ماتاخر» برای کسی که به «معرفت» زیارت اباعبدالله ع بکند و گام‌های عالی عبارت است از؛ «حضور در موقعیت اعلی‌علیین»، «بهره از نور قیامتی»، «همسایگی اهلیت ع در برترین درجات بهشتی».

#### زیارت حسینی، واجد تأثیری بی‌نظیر و سهل، در نسبت با سایر اعمال

ممکن است گفته شود اتفاقی که به واسطه «زیارت حسینی» در فضای حرکتی انسان شکل می‌گیرد، و انسان از عمق دنیا و تعلقات به سمت ارزش‌های آسمانی سوق پیدا می‌کند، با تقید به بسیاری از رفتارهای دیگر هم واقع می‌شود! پاسخ آنکه اگرچه انسان با تقید به بسیاری از رفتارهای ارزشی، از زمین‌کنده می‌شود و به بالاتر برده می‌شود، اما تفاوتش با این ماجرا، حداکثر «سهولت»، حداکثر «سرعت»، و حداکثر «بهره‌ای» است که با زیارت حسینی شکل می‌گیرد و در میان رفتارهای دینی، رفتاری با این حجم از ثمره و به این سهولت را نمی‌توان یافت.

#### موضوعیت زیارت حسینی، در میان مجموعه اعمال مرتبط با حضرت

اساساً «زیارت حسینی»، خودش موضوعیت دارد، نه نشستن در محفل حسینی و صرفاً عزاداری! «اقامه عزا» در سر جای خود ارزش دارد، بر «بام» قرار گرفتن به سمت حرم سیدالشهدا ع و ابراز ارادت کردن و این‌گونه زیارت کردن نیز موضوعیت دارد. فراتر از آن، «حرکت» کردن با اعضا و جوارح به سمت مزار مطهر حضرت است، که این نیز موضوعیت دارد؛ لذا در روایات مطرح شده است که: «اگر غنی هستی سالی دو بار و اگر فقیر هستی سالی یک بار به زیارت حضرت مشرف بشوید». این تعبیر، حکایت از موضوعیت داشتن زیارت حضرت است!

#### جایگاه زائر حسینی: انتقال دهنده نور در عالم

زائر کسی است که وقتی زیارت حضرت را می‌کند، اشیاء «منتظر نگاه» او به سمت خودشان هستند! زائر اینقدر قیمت دارد. در روایت دارد که «هیچ موجودی در عالم نیست مگر این‌که غبطه زائر اباعبدالله را بخورد». چرا چنین حالتی هست؟ چون زائر حضرت، به مزار حسین علیه‌السلام نگاه کرده است! حالا نگاه کند! مگر چه

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

می‌شود؟ آنجا چشمه نور عالم است، نگاه که می‌کند اثر نورانی می‌گیرد و موجودات نیز، منتظر نگاه زائر حسین ع به سمت خودشان هستند. خیلی عجیب است! هیچ موجودی نیست، دقیق‌تر عرض کنم: «هیچ شیء‌ی نیست که غبطه نگاه زائر حضرت به سمت خود را نداشته باشد!» این که شیء است؟! خب باشد! قاعده اصلی و حاکم بر عالم، قاعده «نور و ظلمت» است: به میزانی که انسان در معرض نور قرار می‌گیرد و هدم نور نکند، حذف نور نکند، نور را فیلتر نکند، منتقل‌کننده نور است! اشیاء هم این را دوست دارند که نور حسینی به آن‌ها منتقل شود! یعنی عملاً زائر حسینی، به میزان سعه وجودی اش، «انتقال‌دهنده جریان نور» است.

#### منطق ارتقاء زائر حسینی، متأثر از منطق گسترش نور

منطق، «منطق نور» است. لذا زائر حسینی، ابتدا پاک می‌شود، بالا می‌رود، از جریان فضل بهره‌مند می‌شود، با نور گره می‌خورد، از نور بهره‌مند می‌شود، و پس از آن، انتقال‌دهنده نور می‌شود تا حدی که اشیاء هم منتظر نگاه زائر حسینی به سمت خودشان هستند! و تا جایی پیش می‌رود که اگر زائر حسینی، عارف به حق حضرت باشد، خدای متعال نام او در «اعلی‌علیین» ثبت می‌کند. این، «منطق ارتقاء» گرفتن زائر حسینی است.

#### زیارت دارای پیکره مفهومی و رفتاری مشخص است

پس مدخلی در روایت عترت برای کنده شدن از دنیا و برای «آسمانی شدن» مطرح شده است؛ این مدخل، مدخل زیارت است؛ «زیارت و تقید به زیارت» که دارای یک پیکره مشخص است! اگر ما این پیکره عظیم را تقلیل دادیم، یعنی بجای آنکه با اعضاء و جوارح و روح و جان، و عارف به حق، به سوی حرم سیدالشهدا و مضجع شریف و مطهر حضرت حرکت کنیم، بدون معرفت رفتیم، سپس کمتر کردیم و نرفتیم بلکه صرفاً بر نقطه مرتفع مثل پشت بام ایستادیم، سپس تقلیل دادیم و در حسینه نشستیم و به حزن و اندوه مشغول شدیم، آیا از خصوصیات زیارتی حضرت بهره‌مند خواهیم بود؟! یا آنکه خودمان را به یک زائر حداقلی رسانده ایم؟!.

اساساً «زیارت»، توأم با «حرکت به سوی مکان مرتفع» تعریف شده است. حداقل زیارت، زیارت حضرت از پشت بام است و انتظار بر آن است که انسان روزی یک بار این تجربه شیرین را در زندگی خود داشته باشد و در انتهای هفته این عمل را به چند وعده بکشد:.....

اما صد افسوس که رفتار ما در قبال حضرت، از طراز «زیارت» و «تقید» به آن که همراه «حرکت» به سوی «مکان مرتفع» و «همراه با معرفت» است، به نشستن و اندوه تقلیل یافته است! و بدین صورت است که تاثیرات این فضای عظیم فرهنگی نیز به حداقل رسیده است. ما خود، قیمت و جایگاه زائر را تقلیل داده ایم.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

### تاثیر زیارت؛ تغییر زندگی دنیایی به زندگی آسمانی در دنیا

در بعد دیگر، این فضای قدرتمند آسمانی، اینقدر قوت می‌گیرد تا زندگی انسان در زمین را هم «تغییر» بدهد و آن فضای آسمانی را در زمین جریان بدهد! فرض کنید شخصی طهارت روح پیدا کرده و از دنیا سبک شده باشد! خیلی خوب است! اما آیا می‌تواند در مواجهه با مسائل دنیا، همین طهارت روح را حفظ کند و دنیایش را دنیای آسمانی قرار بدهد؟! می‌تواند زندگی دنیایی اش را بر اساس منطق آسمان بچیند؟ بسیار دشوار و تقریباً محال است! اما حضرت می‌فرمایند که با مداومت بر زیارت حسین ع می‌شود: «زیارت حسین را ترک نکنید تا خدا چهار چیز به شما عطا کند: طول عمر، رزق زیاد، سعادت در حیات و اختتام به شهادت! در اینجا هم زیارت حضرت موضوعیت دارد!

در فضای زیارت می‌بایست، تمام توجه انسان مؤمن به سمت مقصد که «امام» است، باشد. همان گونه که پیکره‌اش دارد به سمت امام حرکت می‌کند، روح و جان و نفسش همه به سوی امام سوق داده بشود. در هر ایستگاهی که انسان به سمت امام نزدیک بشود، به هر میزانی که انسان به لحاظ جغرافیای مادی به امام نزدیک بشود، خصوصیات از منطق فضای بالاتر نیز به سمتش جریان می‌یابد، چنانکه به میزانی که طهارت پیدا بکند و ارتفاع بگیرد، باز بخشی از آن خصوصیات به سمتش جاری می‌شود.

### تاثیر زیارت؛ بهره از برکت، تغییر زندگی دنیایی

پس «طی مکان» در زیارت، موضوعیت دارد؛ چه انسان عارف بالحق باشد و چه نباشد! و اگر عارف به حق حضرت باشد، ویژگی‌های دیگری را نیز بهره‌مند می‌شود.

حضرت فرمود: «تا ده میل اطراف حرم محل برکت است». چه به این موضوع معرفت داشته باشیم، و چه نداشته باشیم. آنجا این حاکم است! حضرت فرمود: «اگر کنار قبر ابا عبدالله ع کسی دعا کند، این موضوعات (چهارگانه) را خدا به او عطا می‌کند؛ (یکی از این موضوعات)، سعادت در حیات و شهادت در اختتام است...».

پس وقتی زائر به سمت امام حرکت می‌کند، به یک منطقه‌ای که می‌رسد، وارد منطقه «برکت» می‌شود. امورش مشمول برکت می‌شود. به کنار قبر مطهر حضرت که می‌رسد، دعا که می‌کند، «سعادت در حیات» بر او جاری می‌شود و به موقعیت «اختتام به شهادت» نزدیک می‌شود. در روایت دیگر فرمودند: اگر مداومت بر زیارت داشته باشید، این اختتام به شهادت تثبیت می‌شود.

خیلی جالب است. انسان زائر با رفتن به سمت مزار مطهر حضرت مشمول «طهارت» می‌شود. مشمول جریان «نور» می‌شود. با رفتن به سمت مزار مطهر حضرت مشمول «برکت» می‌شویم؛ مشمول «سعادت دنیایی» و «اختتام به شهادت» می‌شویم. پس از آن، تاکید بر استمرار است. لذا زیارت موضوعیت دارد.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

### زیارت و بهره از منطق جدید تعاملی میان ملک با انسان

در روایت دارد ملائکه‌ای که از زمان حضرت، از زمان نبرد عاشورا عهد کردند بالا نروند و تا زمان ظهور در زمین باقی بمانند و بر گرد مزار حضرت طائف هستند، اگر زائر حضرت در سرزمین خودش بیمار بشود، آن‌ها به عیادت زائر حضرت می‌آیند. پس زیارت، یک «منطق جدید در تعامل میان انسان و ملک» نیز شکل می‌دهد. کدام ملک؟ ملکی که در میدان آمد و اذن جهاد به او داده نشد! در صحنه عاشورا اشک ریخت و سوخت! او تعهد کرد که بر گرد قبر حضرت ملازم باشد. حالا دارد زمینه می‌چیند. دارد نور را در عالم می‌پراکند. چه کار می‌کند؟ نگاه می‌کند به کسانی که زیارت آمدند و بیمار شدند. برای عیادت به سویشان گسیل می‌شود. همچنین وقتی کسی از زائرین اباعبدالله ع از دنیا می‌رود، ملائک برای تشیع جنازه او می‌روند. یعنی یک «منطق تعاملی میان ملک و انسان با محوریت زیارت مزار اباعبدالله ع» شکل می‌گیرد و پیرنگ می‌شود؛ منطق تعاملی میان انسان و ملک، و انسان و موجودات.

### زیارت؛ نقش و جایگاه آن در ایمان، دین و عبور از درجات پایینی بهشت

زیارت موضوعیت دارد. دو روایت را کنار هم بگذاریم: حضرت فرمود: «کسی که در عمرش به زیارت اباعبدالله ع مشرف نشود، منتقص‌الایمان، منتقص‌الدین و در پایین‌ترین درجات بهشت است». در روایت دیگر حضرت فرمود: «کسی که گمان می‌کند شیعه ما است و زیارت حسین بن علی علیه‌السلام نرفته باشد، در بهشت هم که وارد بشود مهمان بهشتیان است، اهل بهشت نیست!»

در روایت اول، یک حوزه‌ای، حوزه ایمانیات است و حوزه‌ای، حوزه دین است. تبعه تقید به ایمان و تقید به دین، بهره از نعمات الهی در آینده است؛ استقرار در بهشت و درجات بهشت است! اینکه حضرت فرمود: «کسی که زیارت اباعبدالله نرود در پایین‌ترین درجات بهشت است»، این سوال را پیش می‌آورد که مگر بالاترین درجات بهشت برای چه کسانی است؟ پاسخ مشخص است: کسی که به زیارت اباعبدالله ع می‌رود! بالاترین درجات ایمان و بالاترین درجات دین، مخصوص کسانی است که با اباعبدالله گره می‌خورند. طیفی از درجات پایین بهشت، با حداقلی از درجات ایمان و دین مرتبط است که پیوندی با اباعبدالله نیز ندارد، ثمره‌اش هم استقرار در مناطق پایین بهشت است.

انسان وقتی زائر اباعبدالله ع شد، ایمانش می‌تواند از یک طیفی تا طیفی دیگر موثر باشد. بسته به خود او است که بر حسب دینش در کدام نقطه بایستد و در چه درجه‌ای قرار بگیرد. به هر صورت طبق روایت معصوم، مقام و درجه پایین‌ترین زائر حضرت در بهشت - هر چه که باشد از بالاترین فردی که مؤمن و دین دار است و زائر حضرت نیست، بالاتر است. تا حدی که روایت عجیب دوم شکل می‌گیرد که: «اگر کسی زائر حضرت نشود، مهمان بهشت است». از مجموع این دو روایت به این نتیجه می‌رسیم که قرار گرفتن در کثیری از درجات

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

بهشت، منوط به حسینی بودن و سلوک حسینی است. اگر کسی جنبش حسینی نشود، یا در پایین‌ترین درجات بهشت است و یا مهمان بهشت! عبور از درجات پایین بهشت، منوط به حسینی شدن است و در این میان، «زیارت» نقشی محوری دارد.

براستی مگر جایگاه جریان حسینی در دین، جایگاه بنیادین و ستون دین است؟ مگر اساس دین است که اینگونه همه چیز با آن گره خورده است و موجب حیرت است؟ ارتفاع دادن انسان تا استقرار در آسمان، جریان زیستن آسمانی در دنیا، و امتداد این زیستن در آخرت، روشن کننده باطن و حقیقت جریان حسینی است.

**زیارت: سهل‌ترین سلوک، موثرترین عامل تحول (همراهی با نور، ارتفاع بخشی، حرکت به سوی آینده، کسب رضایت)**

از وجه دیگر، جریان حسینی، میانبر و تسهیل‌کننده مسیر سخت است؛ با روش‌های بسیاری می‌شود به سمت آسمانی شدن حرکت کرد و اینگونه در دنیا زیست، اما بسیاری از این روش‌ها سخت است و عملاً میسر نیست. «حسینیت»، سهل‌ترین نوع از «سلوک» است. «زیارت» اباعبدالله ع و مداومت بر این زیارت، آدمی را وارد سلوک حسینی کرده، و رشد و نمو داشتن، بهره از جریان نور، ارتفاع گرفتن، با همان فضا در دنیا زیستن، به سمت آینده حرکت کردن و عیان دیدن همین باطن در آخرت را به دنبال خواهد داشت.

روایات این موضوع بسیار است و در این بخش قصد پرداختن بیشتر به آن را نداریم. به هر صورت وقتی شما ورود می‌کنید می‌بینید یکی از جدی‌ترین فضاها برای «تحول» بخشی مدخل «زیارت»، آن هم زیارت «اباعبدالله ع» و «مداومت» بر این زیارت است.

در روایت دارد «با زیارت حسینی، کسب رضایت صدیقه طاهره سلام‌الله علیها شکل می‌گیرد!» یعنی رضایت حضرت که «رضایت خداوند»، تابع آن شمرده شده است و در فضای معرفتی، همه به دنبال آن هستند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «فاطمه سلام الله علیها به زائران حسینی نگاه می‌کند و رضایت خودش را بر آنها قرار می‌دهد». پس زیارت یک فضای عمیق و بسیار سهل جهت کسب رضایت الهی نیز شمرده می‌شود.

با تتبع در متون دینی در می‌یابیم که هیچ مقوله‌ای از مقولات عظیم الهی، همچون جریان حسینی خود را در معرض انسان قرار نداده و دسترسی انسان به خود را تا این حد سهل و پر ثمره قرار نداده است. گاهی که به جریان حسینی نگاه می‌کنم یاد آن کشتی می‌افتم که ناخدایش، از فراز بخش‌های مختلف کشتی، طناب‌هایی را به سوی زمین آویزان کرده است. و یا پله‌کان ورود به کشتی را از فراز کشتی، تا روی زمین و زیر پای افراد قرار داده است!

این نوع از دستگیری سهل که در پیوند با جریان حسینی به شکل دائمی وجود دارد، به شیوه دیگر، صرفاً در برخی از موقعیت‌های خاص زمانی شکل می‌گیرد. در روایت دارد که «شجره بهشتی طوبی، در ماه شعبان شاخه‌های خود را از فضای آسمانی پایین‌تر آورده و به زمین نزدیک‌تر می‌کند». این نوع از اتفاقات حقیقی - نه

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

قصه و تمثیل - گویای در دسترس بودن ثمرات عظیم است و تغییر حال و هوای عمومی جامعه در ماه های رجب، شعبان و رمضان به نسبت سایر ایام سال، گواهی بر این مدعا است. و هر چه انسان، با طهارت بیشتر به این ایام ورود کند، این حال و هوا را بیشتر حس می کند.

### زیارت، تفسیری عملی از حج؛ از تاثیرات فراتر از حج تا تحقق عمومی «لقاء الله» در دنیا

دو روایت دیگر را در کنار هم قرار دهیم و نتیجه ای دیگر بگیریم تا مدخلی جدید به ماجرای حسینی داشته باشیم. در مباحث حج، امام صادق علیه السلام فرمودند: «تمام الحج لقاء الامام». اگر به حج مشرف شدید، فکر نکنید که کارتان تمام شد، با لقاء امام، حج شما کامل و تام می شود! تا پیش از این، فهم ما از این روایت این بود که ای مسلمانی که در دوران معصوم هستی، وقتی که حج خود را انجام دادی، به محضر امام مشرف شو! و ای مسلمانی که در دوران غیبت امام هستی، حج خود را که انجام دادی، در صدد لقاء امام عصر باش! و یا در وجه حداقلی، به مدینه برو و آنجا زیارت پیامبر اکرم ص و ائمه بقیع ع را داشته باش. چرا؟ چون «تمام الحج لقاء الامام».

بنده تا پیش از این، چنین فهمی نسبت به روایت مزبور داشتم. مطالعه روایات زیارت اباعبدالله ع، باب جدیدی برویمان گشود و روایت «تمام الحج لقاء الامام» معنای دیگری پیدا کرد و آن اینکه ای حاجی! طواف خانه خدا کردی؟ بخش باقیمانده فعل تو این است که بعد از این، به زیارت مزار اباعبدالله ع بروی. شاهد بر مدعا آن است که در مضمون روایات زیارت اباعبدالله ع آمده است: «اگر کسی حج مشرف بشود اما زیارت حسین ع نرود، حقی که پیامبر اکرم بر ضمه او دارد ادا نکرده است!».

بر این اساس، همان کاری که اباعبدالله ع انجام داد، حتی المقدور می تواند مدل انجام حج سایر مسلمانان قرار گیرد. اگر امروز «تمام الحج لقاء الامام» بخواید مبنای رفتاری حاجیان قرار گیرد، یک فضایش پر رنگ کردن مدینه دوم است، و یک فضای دیگرش، تشویق به انجام سفر کربلا بعد از سفر حج! بر این اساس، سفر کربلا امتداد سفر حج بوده و در پیوند با سفر حج، از اسرار آن رمزگشایی خواهد نمود.

شاهد دیگر مدعا آن است که تردد میان فضای حج و فضای کربلا، همچنین تفسیر جریان حج در پیوند با تفسیر کربلا، همان چیزی است که در روایات عترت بسیار بدان پرداخته شده است؛ در برخی روایات، از تفاخر زمین مکه بر سایر نقاط و تفاخر خداوند بر جایگاه کربلا نسبت به سرزمین مکه سخن گفته شده و در کثیری از روایات، فضیلت زیارت کربلا بر حج مورد بحث و سخن قرار گرفته است.

شاهد دیگر آن است که «هر کسی به زیارت حسین می رود، کانه به زیارت الله می رود!» خدایا این دیگر چیست؟ مگر این نقطه از زمین، چه اتصالی به آسمان دارد؟ مگر چقدر از این فضا، خرق حُجُب شده است؟ که حضور در بقعه حضرت، معادل زیارت و ملاقات «الله» تلقی می گردد؟ تصویر ما از «لقاء الله» عمدتاً تصویری از قیامت

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

است، اما بر اساس اینگونه از روایات، قاعده عمومی «لقاء الله» در درون دنیا، زیارت مزار اباعبدالله ع است. مزار مطهر سید الشهداء ع، محل «لقاء الله» برای همه کسانی است که به آنجا می‌روند! ما که موسی علیه السلام نیستیم که کوه طوری برای ما باشد! به شکل عمومی، «لقاء الله» در دنیا، در کنار مزار سیدالشهداء ع شکل می‌گیرد.

### از زیارت جمعی در ایام اربعین تا لقاء الله عمومی؛ کدامین تحول در راه است؟

امروزه زیارت اباعبدالله ع که طبق روایات، از مداخل اصلی «تحول فرهنگی» بوده و بر اساس آن می‌توان برنامه‌ریزی نمود، در یک قالب عظیم و وسیع اجتماعی با عنوان «زیارت اربعین» در حال تحقق و قدرت نمایی است. این پدیده الهی و جامع، دارای ابعاد گسترده و متنوعی بوده و از زوایای مختلف قابل مطالعه است. یک بعد آن «زیارت»، بعد دیگر «معجزه و آیه الهی» و بعد دیگر «لقاء الله» است. ان‌شاءالله در مباحث قرآنی به برخی از ابعاد مختلف این پدیده می‌پردازیم.

براستی مگر چه اتفاقی پیش از این افتاده و یا در حال وقوع است که زیارتی که این گونه به شکل «فردی» دارای خاصیت بوده، اینک به شکل «جمعی» در معرض جوامع قرار گرفته است؟ و مگر چه اتفاقی پیش از این افتاده و یا در حال وقوع است که بشر، نیازمند «زیارت جمعی» و آن هم سالیانه نسبت به اباعبدالله ع هست؟ چه اتفاقی در حال وقوع است که نیاز است فضایی فراهم بشود تا بشر، در ظرفیت چند میلیونی به شکل مداوم و «سالیانه» به «زیارت» حضرت مشرف شود؟

با منطق «لقاء الله» و فضای اربعین نیز این نوع از سوال به قوت خود باقی است که چرا باید در طی چند سال اخیر، فضایی شکل بگیرد که ظرفیت وسیعی از ابناء بشر، «لقاء الله» را - چه عالمانه و چه غیر عالمانه - تجربه کنند؟ چرا باید این اتفاق بیافتد؟ مگر ما با چه چیزی مواجه خواهیم شد؟

چرا خدای متعال، در چند سال اخیر این همه برای بشر خرج کرده است؟ و چه آتیه ای در پیش است که خدای متعال صحنه‌سازی کرده است تا در زمانه ای که زیارت خانه خدا - علی رغم تلاش بسیار - در عسرت و سختی شکل می‌گیرد، زیارت اباعبدالله ع در نهایت سهولت سامان پیدا کند؟! در سال های اخیر، مسیر صحنه‌ها به گونه ای بوده است که هر چه حاکمیت تلاش کرده است تا با تمام ظرفیت، به حج پیوند بخورد باز با صعوبت همراه بوده است و هر چه حاکمیت تلاش تلاش کرده است تا از یاری اربعینیان بکاهد، مسیر اربعین تسهیل شده است! آقایان مسوول در جمهوری اسلامی! در قبال خدا مسوولید. تنها کسی که در این نظام پای اربعین ایستاده است، رهبر معظم انقلاب است. آقای مدیری که در آن کلان نشسته ای و می‌گویی اربعین به ما چه ربطی دارد؟ و به تبع آن، دستگاه‌های دولتی کشور کاری به کار اربعین ندارند، می‌دانی خدای متعال پشت این جریان است؟! صحنه‌هایی پیش روی بشر است که به موجب آن، این عرصه عظیم تربیتی، بدون پشتیبانی شما نیز دارای



نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین (ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

تسهیل در امور است! صحنه‌هایی که به حسب آن، نیازمند تجربه و زندگی حسینی هستیم، نیازمند بالا رفتن در ارتفاعات هستیم، و نیازمند بهره از جریان حسینی برای «لقاء الله» جمعی، حداقل یک بار در کل سال.

برداشت حداقلی از این نوع از صحنه‌ها آن است که آلودگی بشر، چنان افزایش یافته است که خدای متعال از باب رحمت و نعمتش، از باب لطف و کرامتش، مسیر اربعینی را برای تطهیر بشر شکل داده است! برداشت فراتر آن است که صحنه‌هایی عظیم در پیش است که خدای متعال نیاز می‌بیند تا بشر، پیش از آن تجهیز بشود. من و شما «تعاون اجتماعی» را در جریان عظیم اربعینی می‌بینیم، «زیارت جمعی» و آمدن افراد را به محضر حضرت می‌بینیم. ماجرا فراتر از این‌ها است. صحنه‌هایی در پیش است.

### اربعین؛ از تحولی فراملی و فرا دینی مقطعی، تا ضرورت ایجاد گفتمانی رسمی و دائمی در دنیا

ما امشب وارد زیارت اربعینی حضرت نشدیم که بعد ببینیم چقدر از متن «زیارت اربعینیه»، در تطبیق با این پدیده ای است که امروز شکل گرفته است! اما در این مجلس برایمان مسجل شد که پایه «آسمانی زیستن» در دنیا «زیارت ابا عبدالله ع» است و بر این اساس، از مهم ترین «ارکان تحولات» مثبت فرهنگی و اجتماعی، «زیارت» حضرت است و «مداومت» بر آن! و به این نتیجه رسیدیم که خدای متعال، جریان «زیارت اربعینی» را پیش پای ما قرار داده است تا تحولی عظیم و عمیق را نه فقط در «عراق» عزیز که گرفتار اقوام و عشایر و قبایل است و نه فقط در «ایران» که مهد شیعه انقلابی است، بلکه در وسعتی عظیم‌تر و در آتیه ای نه چندان دور شاهد باشیم.

اگر فضای «روایات زیارت» را فهم کنیم و اتفاق موجود در ایام اربعینی را ببینیم، خواهیم یافت که آنچه پیش چشم ما در حال شکل‌گیری است، ایجاد یک «تحول عظیم» فرا کشوری، فرا منطقه‌ای، و فرا دینی است! و گام بعدی، گامی است که با این نوع از منطقی می‌بایست مطالعه بشود و در ادبیات رسمی و گفتمانی کشورها نیز وارد شود.

چطور چشم انداز کشور آمد، بیداری اسلامی را ندید، اربعین را هم ندید و در حال اتمام عمر خویش است؟! چطور سند ۲۰۳۰ آمد، اجازه نگرفت و اجرا هم شد؟! چطور سند MIT آمد و بر آن اساس، کارهایی در حال انجام است؟ چرا ما در فضای خودمان، اربعین «کیفی» را به مقولات «کمی» تبدیل نکنیم و از آن بهره نگیریم؟! با سر و صدایی که در ایران شد، سند ۲۰۳۰ در ظاهر کنار گذاشته شد، ولی همین عراق، گرفتار سند ۲۰۳۰ است! و در حال اجرای آن قرار دارد. چه چیز باید ۲۰۳۰ را از عراق کنار بزند؟ چه چیز باید آن نگاه MIT را کنار بزند؟ نتایج گسیل جامعه هنری و جامعه نخبگانی به سوی عراق از سوی دشمن چگونه باید پس زده بشود؟

مهم‌ترین خبر علمی اربعینی در کشور در طی دو سال گذشته، پژوهش MIT و امتداد آن، یعنی حضور ۵۰۰ نفر از اساتید دانشگاه‌های اروپا و آمریکا در راهپیمایی اربعین در سال گذشته بوده است! چرا اکتشافات علمی و

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۳- زیارت امام حسین(ع) و تحولات فرهنگی؛ از ابعاد روایی تا تحقق عینی در ایام اربعین

اربعینی جوانان ما برایمان پررنگ نشد اما بارها از آن سند و پژوهش دانشگاه آمریکایی یاد کردیم؟! اساسا این افراد برای چه آمدند؟ و چه تحول کیفی را مورد رصد قرار دادند؟ و چرا ما به زیارت اباعبدالله ع و «جریان اربعینی»، به عنوان یک جریان «تحول آفرین» و به عنوان یک جریان راهبردی جهت تغییر وضعیت فرهنگی جامعه توحیدی نگاه نمی‌کنیم؟! و این فضای قدرتمند مفهومی و کیفی را تبدیل به فضای «کمی» نکرده و در زندگی سالیانه تسری نمی‌دهیم؟

باید این کار انجام شود؛ مقایسه فضای قدرتمند «زیارت» با «فضای واقع» شده در ایام اربعین، این نوید را به ما می‌دهد که تحولی عظیم در راه است! سربازان فرهنگی رهبر معظم انقلاب، می‌بایست این «تحول عظیم» را در ایام مختلف «رصد» کنند و بر اساس فضای منطقی و «کار تمیز فرهنگی»، آن را در اوقات دیگر سال و در موقعیت‌های مختلف تسری بدهند.